



برخي جزوات موجود بر روي وبلاگ مطالبه ي بسيج

اسلام ناب امام (خلاصه اي از تفكرات حضرت امام خميني)

ضرورت نظام فكري براي بسيجي

علي از فتنه مي گويد

مجموعه جزوات مفسر اسلام ناب

اندیشه ي سياسي امام خميني

حامي مستضعفين

تا آخر خط

قدرت حقيقي در قلب يگ انسان انقلابي

جهاني شدن و مسلمان معاصر

دين همه دين است

براي دريافت جزوات جبهه ي فرهنگي انقلاب به ما سر بزنيد

Motalebeyebasij.blogfa.com

داستان اندلس روايتی از جنگ نرم

اندلس تاريخ تاسيس و زوال يك حكومت اسلامي است ، حكومتي كه ب ۱۲ هزار نفر سرباز به وجود آمد و به مدت ۸۰۰ سال از پيشرفته و متمدن ترين حكومت هاي زمان خویش بود. حكومتي كه وقتي در كشورهاي همسايه اش حتي حمام را نمي شناختند ، فقط در يك شهر خود حدود ۸۰۰ حمام عمومي داشت ، اين حكومت توسط سربازاني به وجود آمد كه حتي از امكانات اوليه ي نظامي مثل زره و اسب هم بي بهره بودند ويا فقط تعداد كمی از آن را داشتند آنها توانستند مناطق زيادي از جنوب اروپا يعني اسپانيا و پرتغال كنوني را بدست آورند.



فارغ از اینکه آنها حقّ حمله‌ی نظامی را داشتند یا خیر به دلایل افول این تمدن میپردازیم تمدنی که اگر چه از اسلام واقعی و کامل هم بی بهره بود اما توانست تجلّی ناقصی از حکومت الهی در زمان خود باشد و وقتی به مرور زمان توسط سیاست های مقابله‌ی آرام مسیحیان دچار انحرافات فکری و ایدئولوژیک گردید ، کار آن به جایی رسید که ۱۳ هزار مسلمان فقط به علت مخالفت به تجاوز مسیحیان به همسران و دخترانشان ، کشته شدند ، ۳۰ هزار مسلمان به علت نپذیرفتن دین مسیحیت کشته شدند ، در دادگاه‌های تفتیش عقاید مسیحیت هر کس تنها تمایل کوچکی به اسلام داشت مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت و اسلام و مسلمین چاره‌ای جز فرار از آن سرزمین ها را پیش روی خود نیافتند .

حال چه اتفاقی بر سر این تمدن آمد ، به روایت مورّخینی چون دکتر گستاو لوبون در کتاب تمدن اسلامی و یا نورالدین آل‌علی در کتاب اسلام و غرب و ابن زیاد و... که شرح زیبایی از این اتفاقات همراه با تحلیل های نویسنده را می توانید در کتاب دکتر وپیر شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد بخوانید.



هنگامی که حکومت پاپ در اروپا با نیرو ، شجاعت و دلاوری سربازان اسلام وشکست های پیاپی از این سربازان روبرو گردید به شیوه‌های دیگری از مبارزه جز مبارزه‌ی نظامی پرداخت مبارزه‌ای که در آن نه خبری از سرباز نه سلاح و نه تلفاتی بود و مسیحیان طیّ این مبارزات پنهان سیاسی

اسلام ما امروز یک اسلام کاریکاتوری شده است اسلامی که در آن برخی نقاط کمرنگ پر رنگ شده برخی نقاط کوچک بزرگ شده و برعکس برخی نقاط پر رنگ کم رنگ شده و برخی نقاط بزرگ کوچک شده است ، حاصل اینگونه عمل کردن با اسلام چیست؟ یک اسلام کاریکاتوری و خنده دار، اسلامی که هرکس به آن نگاه میکند به آن میخندد.



فرهنگی توانستند به مقصود خود در سرنگونی حکومت اسلامی مستقر در اندلس دست یابند.

مسیحیان بعد از چندین شکست نظامی وقتی خود را با خطر از دست دادن کل مناطق اروپا روبرو دیدند قرارداد صلحی با مسلمانان به امضاء رساندند که شامل سه شرط عجیب بود ، اول اینکه مسیحیان بتوانند در کشور اسلامی آزادانه دین خود را تبلیغ کنند ، دوم اینکه مسیحیان به صورت آزاد هرگونه تجارت اقتصادی را با مسلمانان داشته باشند و سوم اینکه مسیحیان امکان تاسیس مدارس علمی به صورت رایگان را در کشور اسلامی داشته باشند ، که از نظر رهبران مسلمان در امتیاز اول مسلمانان به علت ایمان و برتری اسلام بر مسیحیت مشکلی نخواهد داشت ، در امتیاز دوم نیز روابط اقتصادی موجب پیشرفت کشور مسلمان خواهد بود و در مورد سوم نیز یک خدمت بدون هزینه به جوانان مسلمان در آموختن علم و حرفه است ، بنابراین تقریباً بدون مخالفت ، این صلح نامه با شرایط آن امضا گردید.

مسلمانان با پذیرفتن این سه پیمان مقدمات پیروزی مسیحیان را بر خود به وجود آوردند ، مسیحیان کار خود را آغاز کردند ، مبلغان و کشیشان مسیحی به بهانه‌ی تبلیغ مسیحیت گردشگاه‌هایی مجلل و زیبا را با حضور دختران زیبا روی و نیمه برهنه‌ی مسیحی فراهم آوردند و در این باغستان ها به تبلیغ مسیحیت می‌پرداختند ، جوانان و چهره‌های سرشناس مسلمان نیز با حاضر شدن در این تفرجگاه‌ها خصوصاً در روزهای یکشنبه ، هم به تماشای صحنه‌های جذاب نشسته و هم به بحث و مجادله علمی دینی می‌پرداختند ، که به مرور زمان حاصل این عمل متزلزل شدن اعتقادات جوانان مسلمان به وسیله‌ی شبهات متعدّد در دین آنها و هرزه شدن آنها به وسیله معاشرت با

ازدواج شما در آیند تا شما از این گناه دست بردارید ، درست است که آنها از نظر فکری درست نشدند ولی حضرت و دخترانشان حاضر شدند دست به این فدا کاری بزنند تا گناه صورت نگیرد ولو به یک شب ، در جامعه‌ی اسلامی حداقل ظواهر دین باید رعایت شود و چه بهتر است کسانی که رعایت میکنند کاملاً موجه باشند .

این تذکر نیز لازم است که مبارزه قانونی با بی‌حجابی به این معنا نیست که هرکس کمی روسریش سفت نبود او را مفسد و بی‌عفت بنامیم ، همچنین لازم هم نیست که همیشه از چوب و چماغ استفاده شود که شکر خدا بر خلاف دوران‌هایی مثل ۱۳۶۵ در این برهه از زمان نیروی انتظامی به خوبی با رعایت شان افراد و آبروی آنها ، با بی‌حجابان برخورد قانونی میکند.

اما از این مبارزه‌ی قانونی که در این ۳۰ سال مورد غفلت قرار گرفته است و از دلایل بی‌حجابی است و در اسلام تاکید بسیاری روی آن است عده‌ای گمان کرده‌اند مبارزه با بی‌حجابی یعنی فقط گشت ارشاد ، در حالی که در اسلام اگر زنی از طرف خانواده مورد حمایت مالی قرار نگرفت این حکومت است که وظیفه دارد زن را تحت پوشش مالی خود قرار دهد و نیاز های معقول زن را برطرف کند چرا که ریشه‌ی برخی بی‌حجابی ها و فسادها در فقر زنان و خانواده‌های آنها است ، مستند فقر و فحشا از آقای دهنمکی زبان گویایی است که این مشکل را در جامعه‌ی ما به تصویر میکشد ، چرا کسانی که گلوی خود را برای دفاع از طرح گشت ارشاد چاک میدهند یک بار هم برای نظام حقوقی زنان خانه دار چاک نمی‌دهند.

نگاه ناقص می‌باشد بی‌حجابی معلول علت فرهنگی به تنهایی نیست ، که ذکر خواهد شد ، همچنین بی‌حجابی علت بسیاری مشکلات و فسادهای دیگر نیز است بی‌حجابی در مرحله اول یک مسئله‌ی عمومی است و نه خصوصی و مشکلاتی را هم که به بار می‌آورد و علاوه بر خود فرد ، گریبان جامعه را نیز می‌گیرد بی‌حجابی عامل سست شدن بنیاد خانواده است ، بی‌حجابی عامل فسادهای جنسی ، بیماری‌های جنسی ، بیماری‌های روحی ، حتی می‌تواند عامل دزدی و مزاحمت و... باشد که این می‌طلبد در کنار مبارزه‌ی فرهنگی با آن به صورت قانونی نیز مبارزه شود ، عده‌ای می‌گویند حال شما شاید توانستید به زور روسری برخی هم جلو



بکشید بعد چه؟ فکر این خانم را که درست نکردید ، حجاب زوری هم ارزشی دارد؟ بله ، برای فکر این خانم و آقا باید کار فکری و عقیدتی شود اما آیا اینکه کسی مشکل فکری دارد و در مورد مسئله‌ای توجیه نیست دلیل این میشود که بتواند

بی‌حجاب در جامعه ظاهر شود؟ گناه ، گناه است و باید جلو آن گرفته شود ولو به یک شب در آیات ۶۷ تا ۷۲ سوره‌ی حجر وقتی اهل شهر برای تجاوز به میهمانان حضرت لوط می‌آیند حضرت از آنها خواهش میکند که از این کار دست بردارند و او را نزد خداوند شرم‌نده نسازند و وقتی آنها حاضر به پذیرفتن نمی‌شوند حضرت به آنها می‌گوید دخترانم حاضرند به

دخترکان مسیحی بود ، اقدام بعدی مسیحیان فرستادن این دخترکان درون جامعه‌ی مسلمان که این هرزگی را در جامعه‌ی مسلمان نهادینه کنند دخترکانی که بدون طلب پولی خود را در اختیار جوانان مسلمان قرار میدادند.

اما امتیاز دوم یعنی تجارت آزادانه مسیحیان و مسلمانان که دو دستاورد را به بار آورد اول اینکه با افزایش روابط مسیحیان با مسلمانان به بهانه‌ی تجارت ، روحیات مسیحیان بر مسلمانان تاثیر گذاشت و دوم اینکه به مرور مشروبات الکلی به جامعه‌ی اسلامی انتقال یافت و کار به جایی رسید که در یک سال یک کشیش مسیحی تمام تاجیکستان های انگور مسلمانان را برای تولید شراب پیش خرید کرد و در طی چندین سال ، باده گساری و شهوت رانی در میان جوانان مسلمان به امری عادی تبدیل گشت به گونه‌ای که شهوتران و میگسار نبودن ضد ارزش به شمار میرفت و هرکس اینگونه نبود ، او را متعصب و کهنه پرست مینامیدند ، جوانان مسلمان دیگر برای ارزش‌های

دینی و اجتماعی خود ارزشی قائل نبودند و مساجد جایگاه افراد سالخورده گشته بود و در عوض عشرتکده‌ها مملو از جوانان برای لذت بردن و خوشی بود. امتیاز سوم یعنی تاسیس مدارس مجانی در کشور اسلامی ، این



اقدام زمانی صورت پذیرفت که مسلمانان به علّت عیاشی و شهوت رانی دیگر به علم و علوم کمتر اهمیت میدادند و مسیحیان با تاسیس این مدارس همراه با آموزگاران مسیحی به وارد آوردن القائات به جوانان مسلمان برای گرفتن احساس هویت ، روحیه امید ، پویایی و نوآوری در آنها پرداختند و توانستند این روحیات را در آنها بخشکانده و این جوانان را در مقابل خود خاضع گردانند.

حال زمان برداشت محصول رسیده بود و به صورت آرام آرام نشانه‌های افول حکومت اسلامی خود را نشان میدادند با سستی اعتقادات و عیاشی ، جوانان دیگر روحیه سلحشوری و غیرتمندی را نداشتند و به جوانانی سست عنصر و هرزه مبدل گشته بودند ، از سوی دیگر رواج تجمل ، خوشگذرانی ، شهوت رانی و زیاده خواهی در بین مسلمانان و خصوصاً حاکمان آنقدر بالا گرفته بود که تامین این خواسته‌ها با آن درآمدهای مشروع ممکن نبود و نتیجه‌ی آن رواج اخاذی ، اختلاس ، باج خواهی از مردم برای تامین هزینه‌ها در بین عمال حکومت بود ، در این محیط فاسد اقتصادی طبقات تولید کننده مانند دهقانان ، کارگران و صنعت گران مورد بی توجهی قرار گرفته و فقر و نارضایتی آنها به دنبال این بی‌توجهی به وجود آمد.

مرحله بعدی که به وقوع پیوست اختلاف میان حکام و استانداران بود ، رواج فساد اقتصادی و بی‌عفتی در میان آنها و اختلاف بر سر منافع بیشتر در کنار تفرقه افکنی مسیحیان و تطمیع برخی ، زمینه‌ی بروز جنگ‌های داخلی در کشور اسلامی را به وجود آورد مثلاً از اولین جنگ‌هایی که

و سریال های مختلف متناسب با فرهنگ کشورمان ، تسهیل ازدواج و مبارزه‌ی قانونی با فساد از جمله اقدامات نظام در مواجهه با تهاجمات فرهنگی دشمنان در جنگ نرم بوده و هست و خلاصه‌ی همه‌ی این مبارزات ، مبارزه‌ی قانونی و فکری با پدیده‌ی رواج فساد است.

در حوزه‌ی مبارزه‌ی فکری شاهد این هستیم که عده‌ای راهکار را تنها در ارائه‌ی مدل فکری اسلامی و سخن نگفتن از تفکرات غربی میدانند که این یک سفته و انکار واقعیات درون جامعه است زنانی که بزرگترین بحران زندگی خود را در لباس ، طلا و جراحی دماغ خود میدانند و ارزش خود را به اندازه‌ی دماغ‌ها میدانند زنانی که از اساس به دنبال زندگی از نوع دیگری چون فاطمه (سلام الله علیها) هستند ، حتماً فاطمه (سلام الله علیها) بدر آنها نخواهد خورد .

همچنین در مقابل این تفکر کسانی صرفاً بدون ارائه‌ی مدل اسلامی به نقد و چالش تفکر غربی میپردازند که آن هم حاصلی ندارد ، این آسیبی است که مسئولان فرهنگی ما به آن دچار شده‌اند و طبیعی است که این شیوه‌ی کار فکری حاصلی جز رواج یک اسلام سکولار در جامعه نخواهد داشت اسلامی که هم دوست پسر و دوست دختر خود را داری و هم برای فاطمه‌ی بین در دیوار زجه میزنی.

و اما در حوزه‌ی دوم یعنی مبارزه‌ی قانونی که بسیار دقیق و ظریف است ، در نگاه به پدیده‌ی بی‌حجابی عده‌ای آن را معلول میدانند یعنی به یک دلیل فرهنگی بی‌حجابی در جامعه رواج یافته است و به همین علّت برای مبارزه با آن راهکار فرهنگی وجود دارد نه برخورد قانونی ، اما باید گفت که این



صورت گرفت جنگ میان استاندار یکی از استان ها ، فردی به نام صمادح و استاندار دیگر به نام جندل بود ، صمادح عاشق یک دختر مسیحی شد و خواست او را به زور از پدرش جدا کند دختر هم به جندل پناهنده شد و سرانجام جندل به کمک ارتش کمکی مسیحیان بر صمادح پیروز گشت. اتفاق دیگری که ضربه‌ی بزرگتری به حکومت وارد آورد ساکت ماندن و بی تفاوتی سایر حاکمان در مقابل این وقایع بود و در عمل حکومت به استان های خود مختاری تبدیل گشته بود.

آخرین گام و حلقه برای نابودی کشور اسلامی خیانت فرماندهان و وزیران حاکمان ، در استانهای مختلف بود ، آنها با تطمیع شدن توسط مسیحیان به استانداران خیانت کردند با این کار شیرازه‌ی حکومت از هم پاشید و با حمله‌ی ۷۵ هزار سرباز مسیحی ، مسلمانان همگی پا به فرار گذاشته و مورد قتل عام قرار گرفتند و با جنایاتی که از سوی اروپاییان مسیحی صورت گرفت لکه‌ی ننگی بر پیشانی آنها برای همیشه ماند .

حال می‌گوییم **فاعتبرو یا اولی البصار.**

باور کنید یا نکنید ، بخواهید یا نخواهید ، در معرکه‌ای هستیم که کسانی می‌خواهند ما وتفکر اسلامی ما نباشد اما ما می‌خواهیم باشیم و ایستاده‌ایم و برای این ایستادن خود هزینه‌های زیادی داده‌ایم ، ایستاده‌ایم تا بتوانیم حکومتی الهی و متمدن را در جهان برقرار کنیم ، در جنگ نرم کنونی که

دشمنان باورها و اعتقادات مردم را هدف گرفته‌اند ، در این جنگ که نقطه‌ی هدف آن ، برای دشمنان استحاله‌ی ایدئولوژیک نظام اسلامی است ، راهکارهای پیش روی دشمنان بسیار شبیه به داستان اندلس است و اما با اندکی ریزه کاری‌ها و پیچیدگی‌های بیشتر ، هدف به تزلزل کشیدن جامعه‌ی اسلامی است و دو راهکار برای آن ،



اول انحراف سران و خواص جامعه چرا که با انحراف هرکدام از این خواص عده‌ای از عوام نیز به دنبال آنها به انحراف می‌روند و دوم رواج فساد و بی عفتی در جامعه که در این مورد دقیقاً دستاوردهای اندلس را به دنبال خواهد داشت ، طبیعتاً مقابله‌ی نظام با این عملکردهای دشمن باید به دقت و

ظرافت صورت بگیرد به گونه‌ای که نه تنها آنها را خنثی میکند بازی را به زمین خود بکشاند و در زمین دشمن بازی نکند یعنی به جای اینکه تنها دیدگاه تحدید محور داشته باشد به فرصت ها نیز نگاه کند.

هرچند به علت عملکرد ضعیف طیّ سالیان بعد از انقلاب وضع به جایی رسیده است که از گفتمان و عملکرد انقلابی و پر قدرت در ابتدای انقلاب به گفتمان و عملکرد تدافعی و ضعیف کنونی رسیده‌ایم ، این اقدامات را نیز قدر میدانیم ، کارهای فکری در جامعه به وسیله‌ی رسانه ، نشریه ، سخنرانی و کتاب و... ارائه‌ی مدل‌های اسلامی مثلا در لباس، ساختن فیلم ها